

«دوام و قوام» پایه های مشروعیت نظام» به نفع چه کسانی است؟

بهباد نبوی، عضو مرکزیت «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، در جریان مصاحبه مطبوعاتی چند تن از اعضای «اتلاف خط امام» در تهران که بخش هایی از آن در روزنامه سلام ۲۸ اسفندماه انعکاس یافت، از جمله گفت: «استقبال گسترده مردم از انتخابات، پایه های مشروعیت نظام را دوام و قوام بخشد و این در حالی بود که تمام گروه های مخالف نظام و اپوزیسیون انتخابات را تحریم کرده بودند...».

نخستین سوالی که در عکس العمل به چنین اظهار نظری مطرح می شود این است که آقای نبوی از کدام «نظام» سخن می گوید؟ برای روشن تر شدن موضوع، توضیح مختصری ضروری است. «نظام» حاکم بر کشور ما سرمایه داری عنان گسیخته با رובنای واپسگرا و عقب مانده است. «نظام» حاکم، «نظام» ستم طبقاتی، «نظام» بردگی و استثمار انسان و در مجموع از نظر زیر بنایی همانند همان «نظامی» است که در دوران شاه بر

ادامه در ص ۴

وقتی که نقش ها روشن تر می شوند!

نشریه ضد حزبی «راه توده» در شماره فوق العاده ۱۵ اسفندماه خود با عنوان «از پیروزی جنبش آزادیخواهی مردم ایران دفاع کنیم» می نویسد: «به سود دو گروه بندی انتخاباتی «مجاهدین انقلاب اسلامی» و «کارگزاران» (خدمتگزاران) و در جهت در هم شکستن رای «ارتجاع» فعالیت خود را تشدید کنیم.» و سپس در ادامه همین «فوق العاده» ضمن بر شمردن «پیروزی های» اخیر جنبش مردمی که از جمله شامل ورود طرفداران و دختر هاشمی رفسنجانی به صحنه «انتخاباتی» با «شعار دفاع از آزادی های موجود [!]] و تأکید بر ضرورت برقراری عدالت اجتماعی در عرصه اقتصادی» است، به «همه توده ای ها - بویژه آنها که در داخل کشور حضور دارند توصیه» می کند: «در جهت سیاست و مشی اعلام شده در بالا بر فعالیت خود بیفزایند...».

«شاه بیت» اعلامیه این کشف بزرگ است که گویا «گروه بندی کارگزاران با تأکید بر دفاع از آزادی های موجود و ادامه در ص ۳»



ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۷۷، دوره هشتم
سال دوازدهم، ۲۱ فروردین ۱۳۷۵

حزب توده ایران

سرکوب و شکنجه مخالفان مذهبی را محکوم می کند

بر اساس گزارشی که از سوی سازمان عفو بین الملل در روز ۲ فروردین ماه ۱۳۷۵ انتشار یافت، ده ها تن از مخالفان مذهبی که در ماه های گذشته در قم، شیراز و اصفهان دستگیر شده بودند زیر شکنجه های وحشیانه جلادان رژیم «ولایت فقیه» قرار دارند. در این گزارش آمده است: «حجت الاسلام سید عباس موسوی، محمد صالح هدایتی، جعفر قائمی حائری، سید مرتضی شیرازی، طالب صالحی، محمد تقی دهکری، عبدالرحمان حائری، و ده ها تن دیگر که در ماه های اخیر دستگیر شده اند در شرایط بسیار دشواری در شکنجه گاه های رژیم به سر می برند. بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل «اکثر این

ادامه در ص ۳

در این شماره

گفت و گو با رفیق «بویی ته

جیانگ» از حزب کمونیست ویتنام

در ص ۵ تا ۸

«مناقصه» منابع نفت

در ص ۵

رویدادهای ایران و جهان

در ص ۲ و ۷

افغانستان جنگ زده، تخته پرشی برای کنترل آسیای میانه

دولت ربانی است، غمرب و جنوب کشور که توسط طالبان اداره می شود و باریکه میان کابل و معبر خیبر که تحت کنترل نیروهای گلبدین حکمتیار است، در سال گذشته درگیر جنگی ویرانگر و وحشیانه بوده است. اکنون کابل به کانون اصلی برخوردهای نظامی باندهای اصلی ارتجاعی تبدیل شده است.

زمنستان گذشته سخت ترین دوران ۴ ساله اخیر برای ساکنان کابل بود که در زیر آتش توپ و خمپاره و در محاصره باندهای جنایتکار از گرسنگی و سرما زجر کشیدند. آخرین جاده کلیدی مواصلاتی که کابل را به پیشاور وصل می کرد در دی ماه بدلیل مشاجرات و اختلافات میان جناح های مختلف مجاهدین وابسته به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که کنترل حوالی مسیر را در دست دارند، بسته شد. این امر به مثابه قطع تمامی چهار شاهراه ارتباطی کابل و مختل شدن کامل حمل و نقل مواد غذایی به شهر بود. گرسنگی و عطش همراه با سرمای کشتنده ۲۰ درجه زیر صفر باعث مرگ و میر و از پا درآمدن تعداد زیادی سالمندان و کودکان شده است که هنوز نتوانسته اند از کابل ویرانه خارج شوند.

مارتین باهر هماهنگ کننده کمک های انسان دوستانه سازمان ملل برای افغانستان، در رابطه با فاجعه کابل اظهار داشت که اگر محاصره و قطع جاده های مواصلاتی پایان نیابد کابل با یک «فاجعه» روبرو خواهد بود. نیروی اصلی محاصره کننده کابل در چند ماهه اخیر جنبش اسلامی طالبان بوده است که

ادامه در ص ۴

اصابت یک گلوله توپ به یک نقطه مسکونی کابل در ۳ فروردین کشته شدن ۱۶ نفر گواه بر این حقیقت است که در پایان زمستان سخت، بهار نیز به ارمغان آورنده صلح و آرامش و رفاه برای مردم ستمدیده افغانستان نیست. پس از ۱۵ سال جنگ تبهکارانه، باندهای تاریک اندیش وابسته به امیربالیسم و ارتجاع منطقه که شکست انقلاب نور ۱۳۵۷، کشته شدن حداقل یک میلیون نفر، بی خانمانی و در بدری و مهاجرت بیش از ۸ میلیون نفر و تبدیل افغانستان به یک ویرانه محصول آن بوده است، اکنون طرح استفاده از موقعیت ویژه این کشور برای دستیابی به منابع تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در دستور کار کارگزاران امپریالیسم در منطقه قرار گرفته است.

از آنجا که جنگ ویرانگر میان جناح های مختلف باندهای ارتجاعی مجاهدین افغانی، زمینه اصلی توسعه این طرح می باشد قبل از هر چیز باید نگرشی به موازنه کنونی قدرت در این کشور داشت.

در یکسال گذشته کانون اصلی جنگ کابل و حومه آن و نیروهای اصلی درگیر جنگ جنبش اسلامی طالبان، ارتش وفادار به رئیس جمهور برهان الدین ربانی و وزیر دفاع او احمد شاه مسعود و نیز نیروهای وابسته به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بوده اند. به غیر از نواحی شمالی افغانستان که عملاً زیر کنترل نیروهای شبه نظامی ژنرال دوستم و خارج از حیطه برخوردهای خونین و مخرب قرار دارد بقیه مناطق افغانستان، شامل کابل که تحت کنترل

«دعوی اصلی» بر سر انتخاب رئیس جمهور است

دومین مرحله «انتخابات» مجلس شورای اسلامی روز ۲۲ فروردین ماه برای تعیین نزدیک به نیمی از کرسی های مجلس برگزار خواهد شد. با روشن شدن نتایج مرحله اول «انتخابات» هنوز به روشنی مشخص نشده است که چه نیرویی دست بالا را در مجلس آینده خواهد داشت. باید منتظر بود تا پس از برگزاری مرحله دوم «انتخابات»، که قرار است سرنوشت نزدیک به ۱۳۰ کرسی را تعیین کند، ارزیابی دقیق تری در این زمینه ارائه داد. از ماه ها قبل روشن بود که «انتخابات» مجلس تنها مرحله نخست از نبرد اساسی تری است که هدف آن کسب مقام ریاست جمهوری است.

در این زمینه دو نکته اساسی را نباید از نظر دور داشت. نخست اینکه، قانون اساسی در شرایط کنونی به هاشمی رفسنجانی اجازه نمی دهد برای بار سوم در «انتخابات» ریاست جمهوری به عنوان کاندیدا شرکت کند. دوم اینکه با توجه به گستی که در میان دو گروه حاکم در جریان «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی رخ داده است، نبرد «انتخاباتی» ریاست جمهوری احتمالاً بسیار سخت تر و پرتنش تر از «انتخابات» مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

در مورد اول، علی رغم برخی تلاش های اولیه نزدیکان رفسنجانی برای طرح ضرورت تغییر قانون اساسی در جهت تأمین ادامه ریاست جمهوری رفسنجانی این

ادامه در ص ۴

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!



گسترش مخالفت با تحریم اقتصادی ایران

با مطرح شدن طرح «داماتو» دایر بر مجازات شرکت های خارجی طرف معامله با ایران در مجلس نمایندگان آمریکا، مخالفت متحدان آمریکا با این طرح گسترش یافت. به گزارش «واشنگتن پست»، ژان کرتین، نخست وزیر کانادا، در یک گفتگوی تلفنی با کلینتون رییس جمهوری آمریکا، گفت که دولت کانادا با تسری قوانین آمریکا به خارج از حوزه قضایی آن مخالف است. همچنین، بنا به گزارش روزنامه «گاردین» چاپ لندن، دولت انگلستان در ماه فوریه به اقدامات وسیعی برای متقاعد ساختن آمریکا به خودداری از مجازات شرکت های طرف معامله با ایران دست زد. نشریه «اینتلینس نیوزتر» نیز گزارش داد که در ماه فوریه، دولت استرالیا نیز با مراجعه به اتحادیه اروپا خواست که نام آن کشور به فهرست کشورهای معترض نسبت به طرح مورد بحث در کنگره آمریکا افزوده شود.

مخالفت اتحادیه اروپا با انزوی بیشتر رژیم

اتحادیه اروپا با مقاومت در برابر تلاش های آمریکا و اسرائیل برای منزوی کردن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی، اعلام داشت که ارتباط خود با رژیم تهران را همچنان ادامه خواهد داد. ژاک شیراک، رییس جمهوری فرانسه، در یک مصاحبه مطبوعاتی بعد

از برگزاری «کنفرانس ضد تروریسم» در «شرم الشيخ»، گفت: «محاصره اقتصادی ایران فقط به عناصر افراطی کمک خواهد کرد و این اقدام بسیار خطرناک خواهد بود». شیراک در توضیح این موضع خود گفت: «هم اکنون تهران در حال برگزار کردن انتخابات است و لیبرال ها به نتایجی دست یافته اند که به مراتب از حد معمول فراتر می رود و ما باید آنها را تشویق کنیم». او در سخنان خود، ضمن اشاره به اختلاف نظر اروپا و آمریکا در نحوه برخورد به ایران، گفت که ۱۵ کشور اتحادیه اروپا مصمم هستند «گفت و شنود سازنده» را با ایران ادامه دهند. علی رغم فشارهای رییس جمهوری آمریکا و نخست وزیر اسرائیل برای «پایتخت تروریسم» اعلام کردن تهران، اعتراض شدید دولت های اروپایی باعث شد که بیانیه کنفرانس «شرم الشيخ» جمهوری اسلامی را به طور مشخص محکوم نکنند.

۱۴۰ هزار رأی برای کاندیدای رد «صلاحیت» شده

مهندس علی محمد غربیانی، نماینده اردبیل در مجلس شورای اسلامی و از فعالین نیروهای مذهبی «رادیکال»، که «صلاحیت» او از سوی شورای نگهبان رد شده بود، طی یک سخنرانی در مجلس فاش کرد که با وجود رد «صلاحیت» او، بیش از ۱۴۰ هزار نفر از مردم اردبیل به او رأی داده اند. قابل ذکر است که «انجمن اسلامی مهندسان ایرانی»، که ریاست آن را مهندس غربیانی برعهده دارد، در اعتراض به عملکرد شورای نگهبان، از ارائه لیست کاندیداهای خویش خودداری کرد.

علی محمد غربیانی، همچنین مدیر مسؤول نشریه هفتگی «مبین» است که به دنبال توقیف هفته نامه «بهار»، از ۲۷ اسفندماه سال گذشته انتشار خود را آغاز کرده است. این نشریه دیدگاه های خود را چنین اعلام کرده است: «ظرفداری از عدالت اجتماعی، حمایت از مستضعفین، پشتیبانی از تحقق جنگ فقر و غنا، مخالفت با حاکمیت سرمایه و سرمایه داری».

همسر کاندیدای رد «صلاحیت» شده انتخاب شد

به دنبال رد نهایی «صلاحیت» دکتر حسن کامران، نماینده فعلی اصفهان در مجلس شورای اسلامی، شرکت کنندگان در انتخابات، با جهت گیری خاص

سیاسی، همسر دکتر کامران، خانم منیره اخوان بیطرف را به مجلس فرستادند. شهر اصفهان دارای ۵ نماینده در مجلس است و خانم اخوان تنها کاندیدایی است که در مرحله اول حد نصاب لازم را برای انتخاب شدن به دست آورده است.

زنان در تاتر و سینما

در چهاردهمین جشنواره سراسری تاتر کشور به مناسبت «دهه فجر»، زنان کارگردان و نویسندگان تمام جواریز را به خود اختصاص دادند و موضوع اکثر نمایش های اجرا شده هم در رابطه با مسأله زنان از زوایای مختلف بود. حتی نمایش خیابانی برگزیده جشنواره، نوشته و کار یک زن بود. نکته جالب این است که در این جشنواره، تعدادی از نمایش های تهیه شده توسط مردان هم در رابطه با مشکلات عینی زنان در جامعه بود که طبق نظر مفسران داخلی، با واقع بینی بیشتری نسبت به گذشته تهیه شده بود. در مقابل، در چهاردهمین جشنواره فیلم «دهه فجر» از زنان کارگردان و تهیه کننده فیلم خبری نبود. و این در حالی است که طی سال های گذشته، زنان بسیاری در عرصه های مختلف سینما، از جمله تهیه و کارگردانی فیلم، فیلمبرداری و نقش آفرینی فعال شده اند و آثار سینمایی و نام آنها در محافل هنری داخل و خارج از کشور برسر زبانها است.

زنان و سواد آموزی

به گفته ابراهیم آقا باایی، مدیر نهضت سواد آموزی استان تهران، طبق آمار از سال ۱۳۷۰ تا ۷۴ نرخ سواد آموزی در میان مردان ۱/۶ درصد و در میان زنان ۴/۵ درصد رشد داشته است. به عبارت دیگر، در فاصله این سال ها، رشد سواد آموزی در میان زنان سه برابر مردان بوده است.

اعتراض کارگری در «بنیاد مستضعفان»

بنا به گزارش روزنامه «سلام»، کارگران دو پروژه ساختمانی «حمیدیه» و «سعیدیه» وابسته به «بنیاد مستضعفان»، با تهیه و ارسال طوماری به «دفتر رهبری»، خواستار رسیدگی بیشتر مسؤولان بنیاد به مشکلات صنفی آنان از قبیل مرخصی سالانه، عیدی، پاداش، بیمه، و غیره شده اند.

در حاشیه «انتخابات» دوره پنجم مجلس

تهران شد، در عمل تنها با حدود ۳۵ درصد آراء شرکت کنندگان در انتخابات — کمترین میزان در مقایسه با چهار دوره قبلی — به مجلس راه یافت. این در حالی است که دختر رفسنجانی، که برای اولین بار وارد صحنه سیاست کشور شده است، با اندک اختلافی در مقام دوم قرار گرفته است.

نیروهای مذهبی «رادیکال»، با وجود رد «صلاحیت» حدود ۶۰ نفر از کاندیداهایشان، و عدم شرکت دو تشکل مهم آنها — «مجمع روحانیون مبارز» و «دفتر تحکیم وحدت» — در انتخابات، توانستند در مرحله اول، به تعداد نمایندگان فعلی این جناح در مجلس، یعنی ۳۰ نفر، نماینده به مجلس بفرستند و حدود ۵۰ نفر از کسانی که به مرحله دوم راه یافته اند از وابستگان این جناح هستند.

بقیه نمایندگان انتخاب شده، یا کاندیداهای شرکت کننده در مرحله دوم، وابسته به جناح رفسنجانی یا منفرد هستند. اما این مجموعه را نمی توان تماماً به حساب نیروی جناح رفسنجانی گذاشت. زیرا علاوه بر افراد منفرد حتی کسانی که رسماً از سوی جناح رفسنجانی کاندید شده اند، در زمینه مهم ترین مسایل اقتصادی — اجتماعی، دارای مواضع مشترک و یکسان نیستند.

تمهیدات «قانونی» لازم را نیز تدارک دید. در آستانه انتخابات، این جناح علاوه بر به کار انداختن تیغ نظارت استصوابی شورای نگهبان، از همه امکانات عظیم مالی و تبلیغاتی خود نیز بهره برد.

اما، بررسی کلی نتایج انتخابات حاکی از شکست این جناح در تأمین اهداف خویش است: از میان ۱۴۱ نماینده انتخاب شده، تنها ۴۳ نفر (۴۲ نفر در شهرستان ها) جزو افرادی هستند که در لیست های انتخاباتی این جناح در سراسر کشور قرار داشتند. در رابطه با مرحله دوم انتخابات، ۲۶ نفر از وابستگان این جناح در شهرستان ها به مرحله دوم راه یافته اند و ۲۰ نفر دیگر نیز جزو ۲۸ نفر اول کاندیداهای مرحله دوم انتخابات در تهران هستند.

با فرض راه یابی همه این تعداد به مجلس، تعداد کل نمایندگان این جناح به ۸۹ نفر می رسد که حدود یک سوم کل نمایندگان مجلس خواهد بود. با وجود این که به احتمال قوی این جناح از نظر نسبی بزرگ ترین جناح درون مجلس پنجم را تشکیل خواهد داد، اما در مقایسه با جمع کرسی های نیروهای وابسته به سایر جناح های سیاسی، در اقلیت خواهد بود.

همچنین، «ناطق نوری»، با وجود گنجانده شدن در لیست جناح رفسنجانی، و با آن که نماینده اول

مرحله اول پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پایان یافت. نشریه «بهمن» — که عطاالله مهاجرانی معاون امور حقوقی و پارلمانی رئیس جمهو (در شماره ۲۶ اسفند خود) و نشریه «عصرما» ارگان مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» (در شماره ۲۶ اسفند) فاکت ها و ارزیابی هایی از این مرحله «انتخابات» ارائه داده اند و به این نتیجه رسیده اند که جناح رسالت در برنامه خود برای تصاحب انحصاری مجلس با شکست روبرو شده است. فشرده ای از این ارزیابی ها به شرح زیر است.

جناح «رسالت» در صدد تأمین دو هدف در انتخابات اخیر بود: کسب اکثریت مطلق مجلس پنجم (حداقل ۱۷۰ کرسی) و کسب آرای قابل توجه و نمایندگی اول تهران توسط کاندیدای این جناح برای پست ریاست جمهوری.

این جناح از حدود یکسال قبل از انتخابات، به اقدامات گسترده ای برای به دست آوردن اکثریت مطلق در مجلس و استفاده از این تخته پرش برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری دست زد. و در این رابطه، در کنار سازمان دادن گروه های فشار «حزب الله» و اقدامات غیرقانونی متعدد،

ادامه: وقتی که نقش‌ها روشن تر می‌شوند

و نیروهای مترقی کشور از نیروهای چپ مانند حزب دموکرات کردستان، راه کارگر، اتحاد کار و... تا نیروهای ملی مانند حزب ملت ایران، جبهه ملی و حتی نهضت آزادی (در آخرین روزهای قبل از برگزاری آن «انتخابات» فرمایشی را تحریم کردند و تنها کسانی که مردم را به شرکت در این خیمه شب بازی تشویق می‌کردند، جز سردمداران ارتجاع و استبداد، طیف رنگارنگ کسانی بودند که به دلایل گوناگون در راه تقویت و انسجام رژیم دیکتاتوری حاکم (چه آگاهانه و چه غیر آگاهانه) گام بر می‌دارند.

این موضع گیری نشریه «راه توده»، تأیید مجددی است بر تمامی ارزیابی‌های قبلی ما در مورد این نشریه. ما دو سال پیش در مقاله مفصلی زیر عنوان «راه توده در راه جمهوری اسلامی» (نامه مردم ۲۲ شهریور ۱۳۷۳) ضمن ارزیابی مشی پیشنهادی این افراد روشن کردیم که در پشت شعارهای این نشریه یک هدف مشخص قرار دارد، مبارزه با سیاست درست و اصولی حزب ما و دیگر نیروهای مترقی میهن، در مقابله با رژیم استبدادی «ولایت فقیه».

پس از گذشت مدتی بسیار کوتاه از انتشار این نشریه بود که روشن شد هدف از انتشار آن تلاش برای ایجاد چند دستگی در صفوف حزب و به قول خودشان مقابله با «سیاست خانمان برانداز طرد رژیم ولایت فقیه» و «یاری رساندن» به «جناح انقلابی» (یعنی گروه رفسنجانی) در حاکمیت است و برای این کار حتی لازم است نقش این «جناح چپ» و «انقلابی» در دستگیری، شکنجه و کشتار وحشیانه صدها تن از بهترین و شایسته ترین فرزندان حزب ما نیز به بوته فراموشی سپرده شود. و یا به قول «راه توده»، «جناح چپ جمهوری اسلامی را به صرف اینکه زمانی بر سرکوب حزب ما صحنه گذاشته است، از هرگونه توان و ظرفیت پیشرفت فکری و انقلابی محروم وانمود کردند» توهم نادرست و خطرناکی است... («راه توده» شماره ۲۴ - ص ۱۰).

ما بعدها در مقاله دیگری به افشای ماهیت فرصت طلبانه دست اندرکاران این نشریه که بسته به جهت وزش باد تغییر موضع می‌دهند پرداختیم و با استناد به خود صفحات «راه توده» پرسیدیم که چگونه می‌توان در مدت کوتاهی رفسنجانی را از چهره انقلابی تا مجری «کودتای خزنده امپریالیسم» در ایران معسرفی کرد و بر اساس این ارزیابی‌ها «فراخوان‌های سرنوشت ساز» صادر کرد؟ ما پس از ذکر این برخوردهای فرصت طلبانه قضاوت پیرامون این افراد را به خوانندگان واگذار کردیم.

گذشت زمان هر روز بیش از پیش صحت ارزیابی ما را روشن می‌کند. در جریان «انتخابات» مجلس شورای اسلامی نیز به سبب سبب معمول این نشریه ابتدا در تأیید فراخوان حزب ملت ایران، اعلامیه ای در تحریم «انتخابات» صادر کرد و سپس با گذشت دو سه هفته در پاسخ به فراخوان آقای ابراهیم یزدی اطلاعیه ای در دفاع از شرکت در «انتخابات» منتشر نمود!

کوتاه سخن! برای ما امروز دیگر شکی وجود ندارد که هدف از انتشار «راه توده» مقابله با حزب توده ایران و سیاست و مشی اصولی آن در مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه» است. با گذشت زمان، بیش از پیش روشن می‌شود، که این تلاش‌ها نه تنها ارتباطی به ادعاهای این افراد پیرامون سرنوشت حزب توده ایران ندارد، بلکه رویارویی و تقابل با آن به انواع بهانه‌ها و شگردهاست. ما باردیگر تکرار می‌کنیم آنچه مربوط به جنبش آزادیبخش مردم ایران است - حرکات اعتراضی مردم - در رد و دفع حکام جمهوری اسلامی عمل کرده و می‌کند و نه در پشتیبانی از آنها.

گسترش آنها و تأکید بر بازگشت به سیاست «عدالت اجتماعی»، عملاً صف خود را از متحدان سال‌های اخیر دولت ائتلافی، برای اجرای برنامه «تعدیل اقتصادی» جدا می‌کند!...» («راه توده» فوق العاده ۱۵ اسفندماه ۱۳۷۴).

به عبارت دیگر گروه رفسنجانی و شرکاء که در چهار سال گذشته در کنار گروه حجتیه (رسالت) مسؤولیت تمامی جنایات (از سرکوب خونین قیام‌های مردم مشهد، قزوین، شیراز تا اسلام شهر) را عهده دار بوده‌اند، فرمان ترور رهبران اپوزیسیون در خارج از کشور را صادر کرده‌اند و سیاست «تعدیل اقتصادی» را به فرمان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در ایران به اجرا در آورده‌اند و شرایط فاجعه باری را به میلیون‌ها شهروند ایرانی، خصوصاً کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده‌اند و امروز به «لطف» همین سیاست‌ها میلیون‌ها ایرانی در فقر سیاه زندگی می‌کنند، تنها با صدور اعلامیه ای تظہیر می‌شوند مردم و نیروهای مترقی باید برای دفاع از آنان وارد صحنه شوند؟!.

برای روشن تر شدن این موضوع که تفاوتی میان مواضع گروه «رسالت» و گروه رفسنجانی وجود ندارد، توجه خوانندگان را به ارزیابی محتشمی در مورد این دو گروه جلب می‌کنیم: «گروه کارگزاران در رابطه با پیامدهای وضع موجود چه اوضاع داخلی و چه خارجی با جناح راست و اکثریت مجلس چهارم شریک و همسو بوده‌اند و تفاوت اساسی بین این دو شاخه وجود ندارد... آنچه موجب اختلاف شده است موضوع رهبری جمعی جناح راست است که این اقدام با تهدید جدی روبرو گردیده است. رهبر جمعی جناح روحانیت مبارز و گروه‌های راست نمی‌خواهند صحنه را تحویل شخص آقای هاشمی بدهد، ولو ایشان در چارچوب رهبری جمعی هم محور بود. جناح راست خوب می‌داند که اگر توانسته است حاکمیت خود را بر ارکان قوه مقننه و مجریه تثبیت کند با ابتکار و موقعیت ویژه آقای هاشمی رفسنجانی بوده است...» (نشریه «امید جوان» ۶ اسفند ۱۳۷۴). در اینجا مشخص نیست که دست اندرکاران «راه توده» بر اساس چه معیاری میان شعارهای چپ مآبانه گروه رفسنجانی و گروه «رسالت» که هر دو از عدالت اجتماعی و تأمین حقوق زحمتکشان سخن می‌گویند «توبه» گروه رفسنجانی را پذیرفته‌اند و دیگران را به قبول آن تشویق می‌کنند. مهمتر از همه مگر نه این است که هر دو گروه حاکم با شعار دفاع از «ولایت و حمایت از هاشمی» وارد کارزار «انتخاباتی» شدند و چگونه به کسانی که در راه تحکیم پایه‌های رژیم «ولایت فقیه»، یعنی حکومت استبدادی حاکم در کشور فعالیت می‌کنند، می‌توان القاب «آزادی خواه» و «انقلابی» را اعطاء کرد؟

بر خلاف ادعاهای فریبکارانه دست اندرکاران «راه توده»، جنبش آزادی خواهی در کشور ما نه تنها ارتباطی به گروه رفسنجانی و شرکای او ندارد، بلکه در سال‌های اخیر با این گروه به مثابه بخش جدایی ناپذیر و مهمی از استبداد حاکم به مقابله و مبارزه برخاسته است. نکته دیگر اینکه، جنبش آزادی خواهی مردم ایران نه در جهت خواست رفسنجانی و شرکاء برای تثبیت رژیم منط و ضد مردمی «ولایت فقیه» بلکه بر عکس برای پایان دادن به آن مبارزه می‌کند.

«راه توده» در همین شماره فوق العاده از سیاست تحریم خیمه شب بازی «انتخاباتی» رژیم توسط حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتقاد می‌کند و آن را «منطبق با مشی راست ترین جناح‌های اپوزیسیون در خارج از کشور» ارزیابی می‌کند. تنها تذکر لازم در این مورد، این نکته است که نه

حزب توده ایران سرکوب ...

افراد شکنجه شده‌اند... مدت‌های شکنجه ای که علیه این افراد به کار گرفته شده است از جمله عبارتند از: شلاق زدن بر کف پا، سوزاندن بدن با سیگار، آویزان کردن از دست، پا، ساق پا، ایستادن برای مدت‌های طولانی (گاه بر روی یک پا)، شوک الکتریکی، آویزان کردن از پنکه‌های برقی در حال گردش از سقف، و...».

سازمان عفو بین الملل در اعلامیه خود اشاره می‌کند که به دنبال تماس با سفارت‌های جمهوری اسلامی، مسعود کیانی مسؤول بین المللی روابط خارجی سفارت در نامه مفصلی به سازمان عفو بین الملل هرگونه شکنجه و آزار را علیه دستگیر شدگان انکار کرده است و دستگیری این افراد را کاملاً قانونی دانسته است. در پاسخ کاردار سفارت به سازمان عفو بین الملل، «جرم» دستگیر شدگان از جمله: «ایجاد یک خانه امن برای برگزاری جلسات و فعالیت‌های غیر قانونی، توهین به رهبر بزرگ جمهوری اسلامی و تحریک مردم علیه او، پخش دروغ و شایعات علیه استقلال کشور و تماس با افراد خارجی، چاپ و پخش نشریه، جزوه و اعلامیه‌های توهین آمیز علیه رهبری جمهوری اسلامی و...» ذکر شده است.

به گمان ما، نامه کاردار سفارت جمهوری اسلامی قبل از آنکه پاسخ قانع کننده ای به انبوه پرسش‌های سازمان عفو بین الملل باشد، سند دیگری در محکومیت رژیمی است که شهروندان آن به جرم برگزاری جلسه و «توهین» به سران رژیم روانه زندان و شکنجه گاه‌ها می‌شوند. بی قانونی، ظلم و سرکوب بخش جدایی ناپذیر سیستم حکومتی است که رژیم «ولایت فقیه» نام دارد و آماده است تا برای حفظ و دوام خود به هر جنایت و خونریزی دست بزند. سکوت در مقابل سرکوبگری و تهاجم رژیم به حقوق انسانی شهروندان کشور ما غیر قابل توجیه و دفاع است.

حزب توده ایران همواره پیگیر، شکنجه و آزار دگر اندیشان را صرف نظر از مبانی اعتقادی و نظری شان محکوم کرده و می‌کند و در راه تحقق حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مبارزه می‌کند. ما از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور و سازمان‌های بین المللی و حقوق بشر می‌خواهیم تا با بلند کردن صدای اعتراض خود علیه رژیم، مبارزه در راه آزادی همه زندانیان سیاسی ایران را تشدید کنند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه: افغانستان جنگ زده تخته پرشی برای کنترل آسیای میانه

محدوده های جنوب و غرب کابل را در کنترل دارد. ظهور ناگهانی طالبان در زد و خورد های افغانستان به طور پایه ای موازنه نیروهای شناخته شده ارتجاعی را برهم زده است. نیروهای وابسته به طالبان که عمدتاً از طلبه های جوان اسلامی تشکیل شده است با دیسپلین ویژه و برخورداری از امکانات نظامی نظیر هلیکوپتر و اسلحه های سنگین مدرن در همان سه ماهه اول موجودیت خود، عملاً کنترل بخش وسیعی از سرزمین های جنگ زده جنوب و غرب افغانستان از جمله شهرهای عمده ای نظیر قندهار، فرداز، غزنین و هرات را بدست گرفته اند. باید متذکر شد که در اکثر این مناطق، که در پنج سال اخیر تحت ستم و چپاول راهزنان وابسته به مجاهدین افغانی بوده اند، مقاومت چندانی در مقابل طالبان که با شعار استقرار صلح و نظم قانونی تهاجم خود را شروع کرده بودند، صورت نگرفت. طالبان هرجا که مستقر شدند با ایجاد یک نظم آهتین، جاری کردن قوانین اسلامی، اعمال مجازات قطع دست برای دزدان و اجبار زنان بر ترک تحصیل و اشتغال، حکومت اسلامی سرکوبگری را برقرار کردند. این امر به وضوح ناراضی توده ای را در شهرهای عمده از جمله هرات که اهالی آن فارسی زبان و دارای فرهنگی قدیمی و غنی هستند و به خصوص در میان زنان و جوانان، بوجود آورده است. بسیاری از تحلیل گران مطلع، پاکستان را منبع تمامی حمایت های مالی، تسلیحاتی و تدارکاتی می دانند و معتقدند که نیروهای طالبان مستقیماً توسط مریبان و افسران باتجربه این کشور تعلیم می یابند.

پاکستان از طریق طالبان چه برنامه و طرحی را دنبال می کند؟ تصمیم پاکستان به ایجاد یک جاده تجارتي که آن را به آسیای میانه متصل می کند و از مناطق زیر کنترل طالبان می گذرد پاسخ این پرسش است. پاکستان بدون هیچگونه مشورتی با دولت مرکزی افغانستان اقدامات اولیه را برای ایجاد این جاده که چامان در پاکستان را به توفوندی در مرز افغانستان- ترکمنستان متصل می کند و نهایتاً ارتباط مستقیم میان شهر بندری کراچی و کشورهای آسیای میانه را فراهم می آورد، آغاز کرده است. هم اکنون بانک های پاکستانی و نیز کنسولگری های این کشور در سراسر قلمرو تحت کنترل طالبان یکی پس از دیگری ایجاد می شوند. این نه فقط باعث نگرانی ایران که جاده مزبور از نزدیکی مرزهای شرقی آن می گذرد، شده است، بلکه برخی جناح های مجاهدین را که علیه کابل می جنگند نیز در مورد اهداف و نیت طالبان و حامیان پاکستانی آنها، به فکر

انداخته است. مقامات دولت کابل همزمان با مسافرت رئیس جمهور افغانستان به ترکمنستان طرح پاکستان را برای ایجاد جاده تجارتي فوق الذکر محکوم نمودند. نگرانی دولت ربانی از تحرکات دیپلماتیک پاکستان و اقدامات آشکار آن در حمایت از طالبان آنقدر جدی است که در هفته های اخیر منجر به مذاکرات اولیه میان مقامات دولت و دشمن قدیمی آن، گلبدین حکمتیار، شده است. دولت ربانی امیدوار است که با رسیدن به نوعی تقاهم با حزب اسلامی بتواند تمامی منابع خود را علیه دشمن مشترک خود طالبان، به کار گیرند. نشانه هایی در دست است که کشورهای ایران، هند و حتی روسیه هر کدام از زاویه منافع ویژه خویش از دولت ربانی در مقاومت علیه سلطه گری پاکستان و طرح های آن برای دست اندازی به منابع زیر زمینی و بازارهای کشورهای آسیای میانه حمایت می کنند. مسافرت های پیاپی علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه ایران، برهان الدین ربانی، رئیس جمهور افغانستان، آصف احمد علی، وزیر خارجه پاکستان، پراناب کمارموکرجی وزیر خارجه هند و پریماکوف، وزیر خارجه روسیه را در هفته های اخیر به کشورهای آسیای میانه باید در این رابطه ارزیابی کرد. تحلیل هفته نامه «نزاویسمایا گازتا» در آخرین شماره (اسفند ماه) خود هم ابعاد نگرانی روسیه و هم نشانه های اهداف پاکستان را فاش ساخت. این نشریه خاطر نشان می سازد که «این اشتباه بزرگی خواهد بود» اگر به کشورهای نظیر ایران و پاکستان اجازه داده شود که به منابع استراتژیک تاجیکستان مانند اورانیوم و غیره دست یابند. این گزارش هم چنین به غنی بودن محصول پنبه تاجیکستان که هم از نظر اقتصادی و هم به لحاظ استفاده از تولید مواد انفجاری از نظر نظامی اهمیت دارد، اشاره کرد. «نزاویسمایا گازتا» اظهار نگرانی می کند که رادار تاجیکستان از طول جنگ داخلی نابود شده است و «یک هواپیما می تواند بدون هیچ مشکلی از تاجیکستان تا مسکو، بدون جلب توجه کسی، پرواز کند». اینکه چگونه پاکستان، کارگزار امپریالیسم آمریکا، بدون هیچگونه توجهی به منافع و تمایلات مردم ستمدیده افغانستان، درصدد گسترش نفوذ خود و بالطبع اربابان امپریالیستی خود در منطقه آسیای میانه می باشد نمی تواند نگرانی محافل ترقیخواه منطقه و به ویژه کشور ما و بر نیانگیزد. زحمتکشان کشور ما و نیروهای مترقی همیشه نقش مخرب و ارتجاعی هم پاکستان و هم رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان عاملان مستقیم و غیر مستقیم توطئه علیه منافع مردم افغانستان محکوم کرده اند. ما همیشه خواستار استقرار صلح، فراهم آوردن شرایط اعمال اراده خلق از طریق استقرار یک دولت متحد و دموکراتیک که حامی منافع مردم، ابادانی افغانستان، یکپارچگی آن و رفاه واقعی شهروندان این کشور باشد بوده ایم و خواهیم بود.

دعوی اصلی ...

خواست از سوی گروه «رسالت»، با مخالفت روبرو شده است و به نظر می آید این گروه از هم اکنون کاندیدای خود را برای «انتخابات» تعیین و آماده کرده است. ناطق نوری در مصاحبه ای با رسانه های گروهی در تهران، در پاسخ به این سوال خبرنگار روزنامه «سلام» که با توجه به میزان آرای که او در تهران به دست آورده است، کاندیداتوری خود را چگونه می بینید گفت: «کاندیداتوری احتمالی بنده برای ریاست جمهوری بستگی به تصمیم جامعه روحانیت مبارز تهران دارد چرا که ما در فعالیت تشکیلاتی از تصمیم جمعی پیروی می کنیم. در مورد درصد آراء هم نمی توان آراء انتخابات ریاست جمهوری را با انتخابات مجلس مقایسه کرد چرا که در انتخابات مجلس در تهران بیش از ۴۰۰ کاندیدا وجود داشت که طبعاً موجب پراکندگی آراء می شود در حالی که در انتخابات ریاست جمهوری اینگونه نیست...» (روزنامه «رسالت» - ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۴).

با توجه به آنچه که در «انتخابات» مجلس شورای اسلامی رخ داده است، و موفقیت نسبی گروه رفسنجانی بعید به نظر می رسد که این گروه حاضر باشد بدون معرفی کاندیدا در «انتخابات» ریاست جمهوری شرکت کند.

موضوع مهم تر اینکه بعید به نظر می رسد هاشمی رفسنجانی حاضر باشد پست ریاست جمهوری را تحویل دهد و از صحنه سیاسی کنار برود. او برای رویارویی با چنین احتمالی است که بتدریج زمینه انتقال موروثی پست ریاست جمهوری را به دختر خود خانم فائزه هاشمی فراهم می کند. از این رو، ماه های آینده تا قبل از برگزاری «انتخابات» ریاست جمهوری ماه های پر تنش و برخوردی خواهد بود که می تواند تأثیر مهم و تعیین کننده ای بر آینده رژیم جمهوری اسلامی برجای گذارد. در همین روند است که باید به زودی شاهد برخوردهای تازه در مجلس (برای تعیین هیأت رئیسه و دولت آینده) بود. به هر صورت، همان طور که قبلاً گفته ایم با ایجاد شکاف در حاکمیت، حکومت جمهوری اسلامی روند بی ثباتی بیشتر و تشدید بحران های سیاسی را خواهد پیمود تا سرنوشته این برخوردها روشن شود. آنچه مسلم است این نکته است که هیچ یک از جناح های درگیر در هرم حاکمیت هدف و برنامه ای جز انحصار قدرت سیاسی را دنبال نمی کنند و تا آنجائیکه به مردم ما مربوط می شود، تنها نکته مثبت این روند را باید در تشدید برخوردهای درون حاکمیت و تضعیف روز افزون آن در این روند دید.

«دوام و قوام ...»

ایران حکومت می کُرد. در این «نظام» گروه بسیار کوچکی حق اکثریتی انبوه را به غارت می برند و برای حفظ این شرایط نابرابر و غیر انسانی از سرکوب، پیگرد و شکنجه و اعدام دگراندیشان و مخالفان «نظام» استفاده می کنند.

و اما اگر منظور بهزاد نبوی از این سخنان، رژیم حاکم بر کشور ماست، در پاسخ باید گفت که رژیم حاکم بر ایران، یک رژیم به تمام و کمال استبدادی و ضد مردمی است که بر اساس اصل «ولایت فقیه»، یعنی اصلی که در تضاد آشکار و آشتی ناپذیر با آزادی و دموکراسی عمل می کند، برپا شده است. در سایه این رژیم، تاکنون هزاران انسان بی گناه، آزادی خواه و میهن دوست، به جوخه های مرگ سپرده شده اند و مردم کشور ما کمتر دورانی را سراغ دارند که این همه بی قانونی، ظلم، و تجاوز به حقوق و آزادی های دموکراتیک آنها در انواع و اشکال انجام گرفته باشد و دره میان فقر و ثروت در سایه جمهوری اسلامی این چنین ژرف شده باشد که ده ها میلیون انسان زحمتکش حتی از تأمین نان شب خود نیز عاجز مانده باشند.

در هر دو صورت برای ما روشن نیست که آقای نبوی از تثبیت کدام «نظام» است که ابراز خوشحالی می کند و آیا چنین اظهار نظری با مواضعی که سازمان «مجاهدین انقلاب اسلامی» در ماه های قبل از برگزاری «انتخابات» پیرامون تحدید آزادی در کشور و فاجعه اقتصادی که گریبامگیر مردم است همخوانی دارد؟ انتظار مردم و نیروهای مترقی از نیروهای مذهبی که مدعی مبارزه در راه تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران هستند، طرح حقایق و دفاع از خواست های اکثریت مردم میهن ما پیرامون تحقق آزادی ها، (حتی در حدی که در قانون اساسی ذکر شده است) و پایان دادن به فاجعه اقتصادی - اجتماعی است که مسؤول مستقیم و روشن آن رژیم «ولایت فقیه» و شیوه و ساختار حکومتی کنونی کشور ماست.

دفاع از تثبیت رژیم «ولایت فقیه» که مردم با پوست و گوشت خود ماهیت عمیقاً ضد مردمی و استبدادی آن را درک کرده اند نه تنها به روند نزدیکی نیروهای مخالف استبداد یاری نمی رساند، بلکه به تشدید بیشتر صفوف نیروهای مخالف رژیم منجر می شود و در تحلیل نهایی به نیروهای یاری می رساند که خواهان انحصار کامل حکومت و تشدید بازهم بیشتر ترور و اختناق حاکم بر ایران هستند.

«مناقصه» منابع نفت جنوب تلاش رژیم برای برون رفت از بحران ژرف اقتصادی - مالی

را از طریق همین «مناقصه» ها استخراج کند و به قیمت نازل به شرکت های فراملیتی بفروشد. بر واضح است که شرکت ها و دولت های خارجی، به ویژه کشورهای امپریالیستی، در چنین شرایطی حداکثر سود را به دست خواهند آورد. تجربه ثابت کرده است، آنچه برای حکام کنونی جمهوری اسلامی هیچ ارزشی ندارد، همانا استقلال و حاکمیت ملی و حقوق حقه مردم ایران است. سران رژیم، همان طور که در گذشته نیز مکرراً در عمل ثابت کرده اند، آماده اند تا برای حفظ بقای حکومت سرکوبگرانه خود دست به هر جنایتی علیه مردم ایران و منافع آنان بزنند. به «مناقصه» گذاشتن منابع نفتی جنوب کشور تنها یک نمونه کوچک اما بسیار گویا از این نوع جنایت ها است. ■

ادامه گفت و گو با رفیق «بویی ته جیانگ»

امروز کدام کارها را باید یا نباید انجام دهد؟
— برای بازگشت به مسیر عادی ما باید چند مسأله را مورد توجه قرار دهیم. نخست، همان طور که قبلاً مطرح کردم، باید به مسایل مربوط به ساختار سازمانی خود بپردازیم. ما باید بازدهی ساختار حزب و دولت را بالا ببریم. بازدهی بالا باید اولین ارجحیت ما باشد. این کار را باید از طریق موزون کردن ساختار حزب و دولت و جذب بهترین افراد، بهترین و با استعدادترین افراد، به پیش ببریم. مسأله دوم، که در ششمین کنگره ملی حزب ما نیز مورد توجه قرار گرفت، این است که باید به مردم تکیه کنیم و به حرف های آنان توجه کنیم. زیرا اگر لحظه ای این آموزش پیشینیان خود را فراموش کنیم که این مردم هستند که سکان کشتی را در دست دارند، و هم این مردم هستند که قادرند کشتی را وارونه کنند، مبارزه ما با شکست مواجه خواهد شد. بنابراین باید به مردم نزدیکتر باشیم، در کنار آنان باشیم، به حرفهایشان گوش فرا دهیم و آماده باشیم که به آنان خدمت کنیم. مسأله سوم، به نظر من، مسأله وحدت است: وحدت در حزبمان، وحدت در میان مردممان، و وحدت با جنبش های دیگر. تفرقه بسیاری از سازمان ها و ملت ها را به شکست کشانده است. اگر به تاریخ حزب و کشور خودمان بنگریم، می توانیم بگویم که هرگاه در کشور ما تفرقه بوده است، اشغالگران بیگانه آمده اند و بر ما مسلط شده اند. آیا به نظر شما جنگ سرد به پایان رسیده است؟

— شاید بهتر بود سؤال را چنین مطرح می کردید که آیا جنگ سرد در ذهن ما به پایان رسیده است؟ ما همچنان معتقدیم که مبارزه در راه سوسیالیسم، در راه استقرار کمونیسم، ادامه دارد.

● فکر می کنید با فروپاشی اتحاد شوروی امپریالیست ها دیگر دست از سر ما برداشته اند؟

— آنها هیچ گاه دست از سر ما بر نخواهند داشت.

● با تشکر از شما، آیا پیامی برای کمونیست های ایران، برای حزب توده ایران، دارید؟

— ما از مبارزات تاریخی طولانی و جانانه حزب توده ایران به خوبی اطلاع داریم. آرمان کمونیست های ایران، که ما خود را در آن با شما سهم می دانیم، آرمان همه ایرانیان میهن پرست و آرمان همه کمونیست های جهان نیز هست. ما برای مبارزات شما در جهت دستیابی به این آرمانها پیروزی آرزو می کنیم.

تجهیزات و تأسیسات نفت و گاز ایران و نیاز آنها به بازسازی و نوسازی نیز از دیگر عواملی هستند که بر مشکلات رژیم در این عرصه می افزایند.

علاوه بر آنچه که گفته شد، یکی دیگر از تنگناهای کسب درآمد ارزی رژیم، مشکلاتی است که کشورهای صادرکننده نفت در اوپک با آن روبرو هستند. مدتی پس از سمینار نفتی تهران، نود و نهمین نشست عادی وزیران اوپک در وین، پایتخت اتریش، برگزار شد. اعضای اوپک در این نشست جمهوری اسلامی را به خاطر صدور نفت بیش از سهمیه خود و فروش نفت به قیمت پایین تر از نرخ رسمی مورد توافق، مورد انتقاد شدید قرار دادند. اوپک در این نشست خود مجدداً قادر نشد سطح تولید کلی خود را بهبود بخشد.

درحالی که سهمیه توافق شده مجموعه اعضای اوپک معادل ۲۴/۸ میلیون بشکه در روز تعیین شده است، هم اکنون کشورهای عضو اوپک حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز بیش از سقف رسمی تعیین شده تولید می کنند. افزایش تولید کشورهای نفتی غیر اوپک نیز به مشکلات اوپک افزوده است. این کشورها، که در حال حاضر حدود ۴۴ میلیون بشکه در روز تولید می کنند، به هیچ روی حاضر نیستند سطح تولید خود را کاهش دهند. کشورهایی نظیر نروژ و انگلستان، به ویژه در چارچوب تأمین منافع انحصارات بزرگ امپریالیستی برای دسترسی به انرژی ارزان، از عوامل اصلی پایین آمدن قیمت نفت در سطح جهان هستند. آژانس بین المللی انرژی اخیراً اعلام کرده که تقاضا برای نفت در طول یک سال آینده، معادل ۱/۶ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت و همه این اضافه تقاضا را تولید کنندگان غیر اوپک تأمین خواهند کرد. این امر حاکی از کاهش نقش کشورهای عضو اوپک در بازارهای جهانی نفت است.

بدین ترتیب، علی رغم اینکه انتظار می رود تقاضا برای نفت در بازار جهانی در آینده افزایش پیدا کند، به نظر نمی رسد این افزایش تقاضا به ایجاد درآمد بیشتر برای کشورهای اوپک بیانجامد. این مسأله به ویژه برای رژیم جمهوری اسلامی مشکل زا خواهد بود زیرا طبق پیش بینی خود مسؤولان رژیم، نیاز روزافزون به مصرف داخلی نفت در کشور تا آخر دهه جاری به بیش از دو میلیون بشکه در روز، یعنی نزدیک به ۵۰ درصد کل تولید کنونی کشور (۳/۵ تا ۴ میلیون بشکه در روز) خواهد رسید. چنین روندی ایران را تارده ششم یا هفتم در میان کشورهای صادرکننده نفت نزول خواهد داد و رژیم حاکم را با مشکلات مالی و ارزی شدیدی روبرو خواهد ساخت. با توجه به بدهی های خارجی ۲۳ میلیارد دلاری دولت، و این واقعیت که هر ساله بیش از ۳/۵ میلیارد دلار از درآمد نفت کشور صرف پرداخت اصل و فرع این بدهی ها می شود، می توان به ابعاد فاجعه اقتصادی - مالی که در انتظار رژیم است پی برد.

بر این اساس است که رژیم حاکم بر ایران، امروز با شتاب مشغول به حراج گذاشتن منابع نفتی ایران است. ذخیره نفتی ایران در منطقه خلیج فارس - یعنی همان حوضه های نفتی که در سمینار تهران برای امپریالیست ها و شرکت های نفتی آنها به «مناقصه» گذاشته شد - به ۵ میلیارد بشکه بالغ می شود. و رژیم، که کابوس یک ورشکستگی کامل را در برابر خود می بیند، درصدد است تا ظرف ۵ سال آینده، دو میلیارد بشکه، یعنی ۴۰ درصد از کل ذخایر نفتی ایران در حوضه خلیج فارس،

در روزهای ۲۰ تا ۲۲ آبان ماه ۱۳۷۴، وزارت نفت جمهوری اسلامی سمینار ویژه ای در مورد نفت، تحت عنوان «بررسی پروژه های نفت و گاز»، در تهران برگزار کرد. در این سمینار ۱۲۳ شرکت نفتی از ۱۹ کشور جهان، و همچنین ۲۰ شرکت ایرانی شرکت داشتند. آقازاده، وزیر نفت جمهوری اسلامی، طی سخنرانی افتتاحی این سمینار اعلام کرد: «جمهوری اسلامی از مؤسسات مالی و شرکت های نفتی خارجی برای مشارکت در ۱۱ طرح نفتی که به صورت «بای بک» (Buy Back) صورت می گیرد دعوت می نماید و منافع این مؤسسات و شرکت ها را، که شامل پرداخت هزینه سرمایه گذاری و نرخ سود قابل قبولی از تولیدات این طرح ها است، در چارچوب قرارداد دوجانبه برآورده می کند». محمد هادی نژاد حسینیان، معاون وزیر نفت، نیز در همین سمینار گفت: «هدف از این گردنمایی، ارائه اطلاعات فنی - مالی - حقوقی و پیمانکاری طرح هایی است که بر اساس برنامه دوم توسعه قرار است به مناقصه گذاشته شود».

برنامه دوم توسعه رفسنجانی، که از آغاز سال ۱۳۷۴ به مرحله اجرا درآمده است، اجرای ۱۲ طرح بزرگ نفتی را برعهده شرکت نفت قرار داده است. از این ۱۲ طرح، دو طرح طی یک قرارداد به شرکت فرانسوی «توتال» محول گردید و ده طرح باقیمانده، همراه با یک طرح دیگر که به آنها اضافه شد، به شرح زیر، در پی سمینار مذکور به مناقصه گذاشته شدند:

- ۱- توسعه میدان گاز پارس جنوبی؛
- ۲- توسعه بهره برداری از لایه گاز خوف در حوضه نفتی سلمان؛
- ۳- توسعه میدان جدید نفتی بلال؛
- ۴- بازسازی و گسترش تأسیسات حوضه نفتی سروش؛

- ۵- ساختمان یک پالایشگاه گاز در بندرعباس؛
- ۶- توسعه پالایشگاه نفت شیراز؛
- ۷- احداث تأسیسات گاز در مناطق جنوبی ایران؛
- ۸- احداث مجتمع مانع سازی گاز طبیعی در جنوب ایران؛

۹- جمع آوری گازهای همراه نفت حوضه های جنوب ایران؛

۱۰- تعمیر و ترمیم تأسیسات فشرده کردن گاز جزیره لاوان؛ و طرح جدید؛

۱۱- تزریق گاز به میدان نفتی دورود.

آنچه بیش از هر چیز سران رژیم را به برپایی سمینار فوق وادار کرد، بحران ژرف و فوق العاده مالی - پولی است که جمهوری اسلامی سخت در آن گرفتار آمده است. اقتصاد ایران و درآمد ارزی کشور به طرز تام و تمام به فروش نفت وابسته است. و با وضعیت کنونی بازار نفت - رقابت های آشکار و پنهان و نقش مسلط شرکت ها و انحصارات امپریالیستی، اختلافات حاد در اوپک، سطح کنونی قیمت ها و آینده بازار نفت و غیره - در کنار مشکلات عدیده و بسیار عظیم تکنولوژیک، مالی و انسانی صنایع و به ویژه صنعت نفت ایران، آینده تأمین منابع ارزی برای رژیم به شدت تیره و تار است. به این مشکلات باید مسائلی مانند سوء مدیریت، اقدامات و سیاست گذاری های مغایر با واقعیت، اخراج و بازخرید کردن صدها و هزارها کارگر متخصص و کادر فنی، تصفیه عده زیادی از متخصصان، کارشناسان و مهندسان مجرب، و دیگر اقدامات آسیب زنده دیگر از سوی رژیم را نیز افزود. فرسودگی شدید

ادامه گفت و گو با رفیق «بویی ته جیانگ»

● مسأله در اینجا این است که درست مانند قضیه به زیر کشیدن هوایمماي ضدانقلابیون در کوبا، هر یک از این نمونه ها معمولاً سروصدای زیادی از سوی طرف مقابل ایجاد می کند و به بهانه ای برای تشدید فشار به شما بدل می شود. آیا برخورد به این نمونه ها احتیاط و خونردی بزرگی را طلب نمی کند؟

— مسلماً. به عنوان مثال در مورد همین نمونه ای که مطرح کردم، ما سفارت آمریکا در هانوی را از جریان آگاه کردیم. ما به آنها گفتیم که می توانند به عنوان ناظر در دادگاه حضور داشته باشند و اینکه این یک محاکمه علنی خواهد بود. ما این محاکمات را با حضور خبرنگاران ویتنامی و خارجی برگزار می کنیم. ما در مورد آنها هیاهو به راه نمی اندازیم ولی با مخفی نگهداشتن آنها نیز مخالفیم. ما قضیه را همانطور که هست مطرح می کنیم و از مقصر اعلام کردن دولت آمریکا خودداری می کنیم. به ویژه آنکه در اغلب این موارد متهمین نیز هرگونه ارتباط خود را با دولت آمریکا انکار می کنند. اما این به هر حال کوشش های نیروهای را که سوء نیت دارند افشا می کند. ما همواره در مورد این نیروها با هشیاری برخورد کرده ایم و می کنیم.

● آیا با هیچ کوششی، چه محلی و چه از خارج، برای وادار کردن دولت ویتنام به سهمیم کردن نیروهای طرفدار غرب در قدرت سیاسی و استقرار یک دموکراسی نوع غربی در کشورتان مواجه بوده اید؟ عکس العمل شما به این فشارها چه بوده است؟

— البته در هر کشوری گرایشات مختلف وجود دارد. این در مورد کشور ما نیز صادق است، هرچند شدت آن در کشور ما در مقایسه با دیگر کشورها کمتر است. ما به این مسأله توجه داریم که پس از جنگ، بیش از یک میلیون سرباز و مستخدم دولتی در جنوب وجود داشتند. همراه با اینها حداقل هفتصد تا هشتصد هزار خانواده نیز در جنوب بودند و این درحالی است که متوسط تعداد اعضای یک خانواده در جنوب سه تا چهار برابر تعداد اعضای یک خانواده در شمال بود. با کمک دولت آمریکا، یک سرباز می توانست پول کافی را برای سیر کردن همه خانواده خود به دست آورد. پس از خروج نیروهای آمریکا از کشور ما، مسلماً این خانواده ها و دیگر کسانی که قبلاً با کمک مالی آمریکا زندگی خود را می گذرانند ناچار شدند که دیگر روی پای خود بایستند. آنها همچنین هیچ احساس خوبی هم نسبت به انقلابیون و کمونیست ها نداشتند. آنها فکر می کردند که با پیروزی کمونیست ها حمام خون به راه خواهد افتاد. اما هیچ حمام خونی به راه نیفتاد. ما این افراد را برای مدتی در اردوگاه هایی که آنها را اردوگاه های «اعاده حیثیت» می نامیدیم جمع کردیم تا برای بازگشت به جامعه آماده سازیم. ما اعتقاد داشتیم و داریم که این افراد می توانند پس از بازگشت به جامعه و به دست آوردن درک بهتر از جامعه جدید، به انسان های خوبی بدل شوند. و در مورد اکثر آنها نیز چنین شد. خود من یک دوست قدیمی خوب دارم که نماینده پارلمان اولین جمهوری و اولین رژیم طرفدار آمریکا، در جنوب بود. و تا روز رهایی سایگون، این خانم در مقام معاونت سنای رژیم طرفدار آمریکا خدمت می کرد. امروز او عضو کمیته مرکزی «جبهه سرزمین پدری» است و خیلی هم فعال است. در ملاقاتی که دو هفته پیش با او داشتم او اظهار علاقه کرد که مجدداً به معاونت «مجلس ملی» برگزیده شود تا بتواند به کشور خدمت کند. او اکنون ۷۴ ساله است. بدین ترتیب، حداقل تا این زمان چنین به نظر می رسد که اکثریت مردم بر این اعتقادند که حزب کمونیست تنها حزبی است که ارزش و صلاحیت اداره کشور را دارد. البته ممکن است کسانی هم باشند که نوعی نوستالژی گذشته را دارند. و این امری قابل

رهبری حزب را قبول دارند. و با توجه به همین مسأله است که حزب کمونیست امروز می کوشد خود را نوسازی کند، خود را از هرگونه جزم اندیشی رها سازد و هرچیز خشک و منجمدی را که می تواند در اعتماد مردم نسبت به حزب خلی وارد آورد از خود دور نماید.

ما می کوشیم با اینگونه پدیده ها مبارزه کنیم. ما همچنین تلاش می کنیم که همه اشکال فساد و بوروکراسی را از میان برداریم. و یکی از شیوه هایی که در این راه به کار گرفته ایم جذب افراد مورد اعتماد و پذیرش مردم به حزب و ارتقاء آنها به سطح رهبری است. در مارس ۱۹۹۴، ما کنفرانس میان دوره ای حزب را برگزار کردیم. در این کنفرانس ما ۲۰ عضو جدید بر تعداد اعضای کمیته مرکزی افزودیم که یکی از آنها یک متخصص بود. او به خاطر تخصص و توانایی اش، و همچنین به خاطر ظرفیت و تعهدش، بلافاصله به مقام وزارت انرژی کشور برگزیده شد. این یک کار بی سابقه در کشور ما است زیرا تاکنون همه می بایست مدارج ترقی را یک به یک از پایین به بالا طی کنند. یک فرد دیگر نیز بود که مدیریت یک شرکت الکترونیک را برعهده داشت. او اکنون عضو کمیته مرکزی و صدر «کمیته خلق» در هانوی است.

اینها بعضی شیوه هایی است که ما برای جوان کردن حزب، برای نوکردن حزب به کار گرفته ایم.

● اجازه دهید قدری هم راجع به برنامه رشد اقتصادی کشورتان صحبت کنیم. روشن است که امروز، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، شرایط کشور شما با گذشته فرق می کند. در این رابطه شما چه تغییراتی را ناچار شده اید در برنامه رشد اقتصادی تان به وجود آورید؟ به طور مشخص، در شرایط جدید شما چه نقشی را برای بخش خصوصی در اقتصاد قایلید؟ بخش خصوصی تا چه سطح و حدی در اقتصاد شما نقش بازی می کند؟

— این سؤال بسیار جالبی است. ما اعتقاد داریم که بخش خصوصی نقش معینی در اقتصاد دارد. ما در گذشته در اقتصاد خود فقط بخش دولتی داشتیم. و به همین دلیل، بخش عمومی، بخش دولتی، ناچار بود همه چیز را در جامعه سوسپیده کند. به اعتقاد ما همین مسأله یکی از عواملی بود که به فروپاشی اتحاد شوروی انجامید. زیرا دولت قادر نبود که بار سنگین یک سیستم کاملاً سوسپیده را بر دوش بکشد. در نتیجه ما تصمیم گرفتیم که فضایی برای حرکت و مانور بخش خصوصی در اقتصاد باز کنیم.

به عنوان نمونه، در طول ده سال گذشته ما هشت هزار از سیزده هزار مؤسسه اقتصادی را در کشور خصوصی کرده ایم. اما آنچه در اینجا مهم است نه تعداد این مؤسسات، بلکه کیفیت و ماهیت آنها است. همه مؤسسات خصوصی شده در بخش خدمات و صنایع کوچک مانند صنایع دستی قرار دارند. در حالی که صنایع اصلی، مانند برق، ارتباطات، ترابری و غیره، همگی در بخش دولتی هستند. ما هیچ گاه قصد نداشته ایم و نداریم که این صنایع را خصوصی کنیم. به جای خصوصی کردن، ما اکنون داریم آنها را به شکل شرکت های دولتی در می آوریم. البته این کار چندان آسانی نیست زیرا باید ابتدا ظرفیت عملیاتی آنها را منسجم و تقویت کنیم تا بتوانند نیروی لازم را برای رقابت در بازار در برابر دیگر مؤسسات داخلی و بین المللی داشته باشند. این یکی از کارهایی است که اکنون مشغول انجام آن هستیم.

● الگوی اقتصادی شما با الگوی اقتصادی چین چه تفاوتی دارد؟

— من فکر می کنم که چین هم در حال حاضر در همین راستا حرکت می کند. اما چین یک کشور عظیم و غول بیکر است و استراتژی و تاکتیک های خود را دارد. ما به هیچ وجه قصد نداریم از الگوی چین پیروی کنیم زیرا شرایط کشور ما متفاوت است. همه جمعیت کشور

ما رویهم معادل تنها یک استان چین است. بنابراین ما باید در رابطه با رفقم های اجتماعی راه متفاوت خود را طی کنیم. همچنین، ما به دلیل اینکه دیرتر از دیگران وارد صحنه شده ایم، از پیروزی ها و شکست های کشورهای دیگر درس آموخته ایم. به عنوان مثال، ما در عین به پیش بردن این رفقم های اجتماعی، در حین خصوصی کردن بخش هایی از اقتصاد، به فکر روستاییان و فقرا نیز هستیم. به همین دلیل یک برنامه از میان بردن فقر و گرسنگی را نیز در آن واحد دنبال می کنیم. ما دو ماه پیش یک صندوق کمک به فقرا ایجاد کردیم. ما با تمام نیرو می کوشیم که شکاف میان فقیر و غنی، روستایی و شهری، مناطق رشد نیافته و مناطق رشد یافته را کمتر کنیم. طبیعی است که این مسایل، مسایل یک جامعه سوسیالیستی نیست. ما باید اول بتوانیم از محرومان، فقرا، زنان و کودکان مراقبت کنیم.

● آیا حزب شما در حال حاضر یک ارزیابی کلی از علل فروپاشی اتحاد شوروی دارد؟ به نظر شما چه چیز باعث فروپاشی اتحاد شوروی شد؟

— دادن یک ارزیابی مشخص از آنچه در شوروی اتفاق افتاد کاری بسیار دشوار است زیرا به نظر من تنها خود شوروی ها می توانند یک چنین ارزیابی را به دست دهند. با این وجود اگر به مطالعات کمونیست ها، نه فقط در اتحاد شوروی و جمهوری های مختلف آن، بلکه در کشورهای اروپای شرقی توجه کنیم، می بینیم که کمونیسم کارهای بسیار مثبتی برای مردم انجام داده است. اما اینجا و آنجا، گاه و بیگاه، برخی برنامه های نه چندان درست، بعضی سیاست های نه چندان

مسئولانه رهبری، مردم را به خشم آورد. این مسأله، همراه با کوشش های مداوم نیروهای ضد کمونیست، به فروپاشی اتحاد شوروی انجامید.

● ارزیابی شما از نقش گارباچف در این رابطه چیست؟

— صحبت در مورد گارباچف دشوار است. آنچه که قطعاً می توان گفت این است که گارباچف به اصول مارکسیسم-لنینیسم، چه از نظر داخلی و چه از نظر بین المللی، پایبند نبود.

● در رابطه با فروپاشی اتحاد شوروی یک بحث وجود دارد که آیا عوامل داخلی سیستم علت اصلی فروپاشی بودند یا عوامل خارجی، مانند محاصره اقتصادی امپریالیسم، مسابقه تسلیحاتی و غیره، نقش اصلی را داشتند. نظر حزب شما در این مورد چیست؟ آیا در این رابطه نظر مشخصی دارید؟

— به نظر من این یک علت مرکب داشته است. کوشش های نیروهای خارجی، مانند رقابت تسلیحاتی، که به تضعیف اتحاد شوروی انجامید همراه با سیاست های نه چندان درست، و حتی ساختار سازمانی دولت از بالاترین تا پایین ترین سطح، در این مسأله نقش داشته اند. همه اینها به صورت یک علت مرکب باعث فروپاشی شدند.

● به نظر شما کمونیست ها خواهند توانست در انتخابات ریاست جمهوری روسیه پیروز شوند؟

— هنوز زود است که بتوانیم در این مورد پیش بینی کنیم. اما من معتقدم که آگاهی های ناشی از اعمال نادرست رژیم حاکم بر روسیه و همچنین آگاهی مردم از درستی ایدئولوژی کمونیستی، به سرعت در حال رشد است. این می تواند هر روز شرایط بهتری را برای انتخاب کمونیست ها به وجود آورد.

● به نظر شما، با توجه به درس های تاریخی به دست آمده، جنبش کمونیستی در مجموع خود باید چه مسائلی را در دستور کار خود قرار دهد تا بتواند سنگرهای از دست رفته را بازپس بگیرد؟ بر اساس این درس ها، جنبش کمونیستی برای تجدید نیروی خود



اقدامات تروریستی سیا در عراق

همزمان با تشکیل اجلاس متخصصان ضد تروریستی کشورهای غربی در واشنگتن، افشای سندی که دخالت سازمان سیای آمریکا را در اقدامات تروریستی در عراق نشان می دهد، دورویی و سیاست دوگانه غرب را در معرض افکار عمومی گذاشت. روزنامه «اینپندنت» چاپ لندن در ۷ فروردین در یک گزارش اختصاصی فاش کرد که فعالان سازمان «پیمان ملی عراق» که از حمایت آمریکا برخوردار اند به دستور سیا در بغداد بمب گذاری کرده و باعث قتل بیش از ۱۰۰ نفر شده اند. گزارش مستند «اینپندنت» که بر مبنای یک مصاحبه ویدئویی زنده با ابوامنه الخدای عضو «پیمان ملی عراق» تهیه شده است جای شکی باقی نمی گذارد که ایالات متحده که از حملات تروریستی گروه های رادیکال اسلامی فلسطینی انتقاد می کند خود همین شیوه های تروریستی را برای پیش برد سیاست هایش در کشورهای جهان سوم به کار می برد. سال گذشته سیا از کنگره آمریکا خواست که ۱۵ میلیارد دلار برای عملیات پنهانی شرم رژیم بغداد تخصیص دهد. کلبتون در گردهمایی شرم الشیخ گفت: «ما باید در محکوم کردن آنهایی که به ترور دست می زنند صریح باشیم». در جلسه منعقد شده در واشنگتن، در ۱۰ فروردین، قرار بود که متخصصان امنیتی ۲۹ کشور شرکت کننده در اجلاس «معماران صلح» که در شرم الشیخ برگزار شد با یکپارچه کردن منابع اطلاعاتی خود درباره تدارک مالی و فیزیکی شبکه های تروریستی در جهت اتخاذ یک سیاست مشترک فعال ضد تروریستی اقدام کنند. از نکات جالب افشاکری فوق این که ابوامنه الخدای عضو سازمان «پیمان ملی عراق» مورد حمایت اردن و عراقی شیعه

مذهب است و هنگامی که بدلیل شرکت در یک بمب گذاری در کردستان عراق از طرف حزب دموکرات کردستان عراق دستگیر و زندانی شده بود با وساطت مقامات آمریکایی و تلفن آنها به مسعود بارزانی آزاد شد.

مداخله آمریکا در مسایل داخلی چین

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در تایوان و برخی اظهارات تحریک آمیز کاندیداهای شرکت کننده مبنی بر نهایت کردن جدایی جزیره تایوان از خاک چین تشنج فوق العاده ای را در این منطقه بوجود آورد. دولت چین معتقد است که در نهایت بخش هایی از خاک چین که مانند هنگ کنگ تحت الحمايه انگلیس می باشد و یا مانند تایوان در جریان انقلاب از آن جدا شده اند، به طریق صلح آمیز به آن ملحق خواهند شد. تایوان در سال ۱۹۴۹، پس از پیروزی نیروهای کمونیست در جنگ داخلی، محل استقرار نیروهای مقهور کومینگ تانگ شد. سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: «وحدت صلح آمیز و ایجاد یک کشور با دو سیستم از سیاست های پایه ای ما در قبال تایوان است که هیچ تغییری در آن صورت نگرفته است. لیکن در صورت اعلام استقلال تایوان و یا تجاوز به آن توسط نیروهای خارجی، چین مطمئناً همه اقدامات ضرور را برای حفاظت از حاکمیت میهن و یکپارچگی ارضی آن انجام خواهد داد». ایالات متحده که در دو سال اخیر بطور فزاینده نارضایتی خود را از رشد اقتصادی چین و ثبات سیستم سوسیالیستی حاکم آن نشان داده است، دائماً مترصد است که به نوعی از بحران های این منطقه استفاده کرده و تحریکاتی با هدف بایکوت و منزوی کردن چین انجام دهد.

همزمان با کارزار تحریک آمیز انتخاباتی در تایوان دولت چین یک مانور نظامی در ناحیه شمالی تنگه تایوان انجام داد. محافل و مطبوعات غربی سعی کردند که با تحریک افکار عمومی کشورهای خود جو ضد چینی را دامن بزنند. ایالات متحده حتی با گسیل داشتن نیروی دریایی خود به آب های مجاور چین با اعلام آمادگی دفاع از تایوان یک بحران بین المللی را دامن زد. در این رابطه سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: «دولت و مردم چین مخالفت جدی و نارضایتی قوی خود را از این عمل تفرانگیز طرف آمریکایی، که یک تجاوز جدی در مورد حق حاکمیت چین و مداخله آشکار در مسایل داخلی آن محسوب می شود، اعلام می کند. تایوان جزو قلمرو مقدس چین است و نه تحت الحمايه ایالات متحده». او اضافه کرد «بعضی افراد

در کنگره آمریکا با بی توجهی به احساسات ملی مردم چین، در صدد هستند که با نیروی نظامی ملت چین را از کسب وحدت میهن بازدارند و چنین اعمالی محکوم به شکست است».

قدرت های منطقه ای و آسیای میانه

در هفته های اخیر چندین رهبر عالی رتبه و مقامات مسؤول کشورهای قدرتمند منطقه از کشورهای آسیای میانه بازدید کردند. این ملاقات ها را نمی توان بی ارتباط با یکدیگر دانست، آنها به قصد ایجاد کنترل بر بازارها و منابع این کشورها انجام می شود.

* علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران در اوایل اسفند ماه از تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان بازدید کرد. هدف او از این مسافرت ها مطرح کردن نقش ایران در منطقه بود. در مذاکرات خود در دوشنبه پایتخت تاجیکستان ولایتی با امام علی رحمانوف در مورد حل اختلافات و اختلاف نظرهای دو طرف صحبت کرد.

* در اواسط اسفند ماه برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان از ترکمنستان بازدید کرد و طرح پاکستان را برای ایجاد جاده ای که شهر بندری کراچی را به تورقوندی در مرز ترکمنستان وصل می کند، محکوم نمود.

* در اوایل اسفند ماه ژنرال علی بک قاسموف وزیر دفاع قزاقستان با وزیر دفاع آمریکا، ویلیام پری، ملاقات کرد آنها یک «بیانیه مشترک در مورد آینده روابط نظامی و دفاعی دو کشور» امضا کردند.

* پریماکف، وزیر خارجه روسیه برای دومین بار در طول دو ماه اخیر در اول اسفند با عبدالعزیز کمی洛夫 وزیر خارجه ازبکستان و اسلام کریموف رئیس جمهور این کشور ملاقات کرد و در مورد امنیت منطقه ای و امضاء موافقتنامه هایی میان دو کشور گفت و گو کرد. کریموف با اشاره به جنگ داخلی در تاجیکستان، در مورد ارجحیت روابط خوب با روسیه برای مردم ازبکستان سخن گفت.

* وزیر خارجه پاکستان آصف احمد علی در تاریخ ۲۴ اسفند وارد ازبکستان شد و با همتای ازبک خود عبدالعزیز کمی洛夫 در مورد بحران های ادامه یافته تاجیکستان و افغانستان صحبت کرد. آصف احمد علی در ۲۵ اسفند در عشق آباد با مقامات ترکمنستان ملاقات کرد. در این گفت و گوها علاوه بر مسایل امنیتی، طرفین مساله راه های تجاری را که از افغانستان می گذرند مورد بحث قرار دادند.

باز تأسیس اتحاد جماهیر شوروی

اینکه جمهوری های سابق اتحاد شوروی را با زور مجبور به بازگشت و پیوستن به اتحاد نخواهد کرد، قرار داد بلوژسکایا را که به تجزیه اتحاد شوروی انجامید، تقبیح کرد. او اضافه کرد: «پنج سال بدبختی بعد از فروپاشی نشان دهنده این است که ما نمی توانیم بدون یکدیگر باشیم». در ۳ فروردین، رئیس جمهور بلوروس الکساندر لوکاشنکو و همتای روسی او یلتسین، در مسکو طی دیداری موافقت کردند که در جهت یکپارچه کردن دو کشور پیش روند، طبق این موافقتنامه هر دو کشور حق حاکمیت خود را حفظ خواهند کرد. لوکاشنکو گفت که او خواستار «بودجه واحد و وحدت واقعی با موسسات فراملیتی» است. اقدام بلاروس در جهت اتحاد دو کشور، با توجه به اینکه برخی از جمهوری های سابق در ماه های اخیر اظهارات مثبتی در رابطه با این پروسه بیان داشته اند، اهمیت فراوانی دارد.

قدم های اساسی را در جهت وحدت و یگانگی بیشتر جمهوری های سابق بردارد و او را موظف می کند که یک رفراندوم در مورد مساله «تقویت تدریجی اتحاد میان خلق های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» را سازمان دهد. بحث در مورد این قطعنامه ها همزمان با پنجمین سالگرد رفراندومی انجام گرفت که در دوران ریاست جمهوری میخائیل گارباچف صورت گرفت و بیش از دو سوم شهروندان شوروی در ۹ جمهوری در جریان آن رای به حفظ اتحاد شوروی سوسیالیستی دادند. یلتسین گفت که این قطعنامه را وتو خواهد کرد و اقدامات فوق العاده به منظور مسدود کردن هرگونه کوشش برای احیاء اتحاد شوروی اتخاذ خواهد کرد».

گنادی زیوگانف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه که کاندیدای انتخابات آتی ریاست جمهوری است گفت که اعاده اتحاد شوروی در صدر دستور کار سیاسی او قرار دارد. او ضمن ابراز تعهد به

کارزار احیاء اتحاد جماهیر شوروی در هفته های اخیر شدت گرفته است. پارلمان روسیه در ۲۵ اسفند با تصویب دو قطعنامه عملاً پایه های حقوقی باز تأسیس اتحاد شوروی را به رسمیت شناخت. در قطعنامه اول، که با رای ۹۸-۲۵۰ به تصویب رسید، تصمیم ۲۱ آذر ۱۳۷۱ مجلس شورای عالی فدراسیون سوسیالیستی روسیه را مبنی بر لغو قرارداد اتحاد جماهیر شوروی، که در سال ۱۹۹۲ امضا شده بود، فاقد پایه های حقوقی دانست و قطعنامه دوم، که با رای ۲۳-۲۵۳ به تصویب رسید، «قانونیت حقوقی» رفراندوم ۱۷ مارس ۱۹۹۱ را، که بر اساس آن ۷۱ درصد رای دهندگان روسیه از حفظ اتحاد شوروی و پیوند جمهوری های تشکیل دهنده اتحاد شوروی حمایت کردند، تأیید کرد. در واقع دو قطعنامه تأکید می کنند که اتحاد شوروی از نظر حقوقی هنوز وجود دارد. قطعنامه، که از سوی حزب کمونیست پیشنهاد و مطرح شده بود، پرزیدنت یلتسین را فرامی خواند که

گفت و گو با رفیق «پروزی» له چیانگ» مدیر «بخش روابط بین خلق ها» کمیسیون روابط خارجی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

• رفیق جیانگ، به خاطر فرصتی که برای گفت و گو به ما دادید تشکر می کنم. اجازه دهید قبل از هر چیز بگویم که حزب ما، مانند همه احزاب کمونیست و مردم ترقی خواه جهان، برای مردم و حزب کمونیست ویتنام به خاطر مبارزه قهرمانانه و پیروزمندانه آنها در راه رهایی میهنشان از یوغ امپریالیسم، احترام عمیقی قایل است. - از گفته های محبت آمیز شما تشکر می کنم.

اجازه دهید تأکید کنم ما زمانی که می جنگیدیم، این کار را با اعتماد به نفس کامل انجام می دادیم زیرا می دانستیم در این مبارزه از حمایت و پشتیبانی کمونیست ها و دیگر دوستان خود در سراسر جهان برخورداریم. و البته مبارزه ما فقط برای خودمان نبود. ما برای رهایی همه بشریت مبارزه می کردیم. پیروزی ما نیز نه فقط به خاطر تلاش های ما، به خاطر شجاعت مردم ویتنام و رهبری حزبمان، بلکه همچنین به خاطر حمایت و همبستگی ای که از کمونیست ها و دیگر دوستانمان در سراسر جهان دریافت کردیم حاصل شد.

در ملاقاتی که چند ساعت پیش با رفیق گاس هال داشتیم، من به این گفته های رفیق هوشی مین در وصیتنامه اش اشاره کردم که او آرزو داشت که تا روز پیروزی ما، تا روز رهایی ویتنام، زنده بماند تا بتواند پس از پیروزی به نقاط مختلف جهان سفر کند و از کمونیست ها و دوستانی که ما را یاری کردند سپاسگزاری نماید. متأسفانه او تا آن روز زنده نماند. • اما او همیشه زنده است.

- به نظر ما نیز مسلماً همین طور است.

• خواهش می کنم یک تصویر کلی از اوضاع کشورتان در دوران پس از پیروزی انقلاب به ما بدهید. - ما زمانی که کشورمان را در سال ۱۹۷۵ آزاد کردیم، تصور می کردیم خواهیم توانست بلافاصله در جهت بازسازی آن حرکت کنیم. اما این تصور ما درست نبود. شما حتماً در مورد جنگ ما با «خمرهای سرخ» مطلع هستید. آنها همان طور که خود اعلام کرده بودند، قصد داشتند سرزمین ما را «مجدداً اشغال» کنند. این شامل خاک کشور ما از مرز میان ویتنام و کامبوج تا شهر «هوشی مین» و فراتر از آن می شد. آنها مدعی بودند که این بخش از سرزمین ما متعلق به کامبوج است. ما می بایست جلوی آنها را بگیریم. همچنین، در حین جنگ با آنان، ما نسبت به قتل عامی که در کامبوج مرتکب شده بودند آگاهی یافتیم. به همین دلیل، در پاسخ به درخواست «جبهه میهنی کامبوج»، به یاری مردم کامبوج برای رهایی میهنشان شتافتیم. البته ما نیروهای خود را در سال ۱۹۸۹ به طور کامل از کامبوج خارج کردیم. و این، ده سال پس از رهایی کامبوج و زمانی بود که دیگر خطر بازگشت «خمرهای سرخ» از میان رفته بود. در سال ۱۹۷۹ نیز ناچار شدیم از مرزهای شمالی کشورمان در برابر حمله نظامی چین دفاع کنیم.

تنها ده سال پس از پیروزی انقلاب، یعنی در سال

۱۹۸۶ بود که توانستیم در مسیر تازه ای که ما آن را «بازسازی همه جانبه کشور» می نامیم گام برداریم. تا این زمان، به خاطر تحلیل رفتن اوضاع در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی، به خاطر جنگ با چین، به خاطر تحریم آمریکا علیه ویتنام، و به خاطر محاصره اقتصادی توسط کشورهای آسیایی، کشور ما در بحران عمیق اجتماعی-اقتصادی قرار گرفته بود. اما از زمان آغاز روند بازسازی در سال ۱۹۸۶، ما بهبودهای تدریجی اما عمیق در زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورمان به وجود آورده ایم.

در تابستان آینده ما هشتمین کنگره ملی حزب خود را برگزار خواهیم کرد و در حال حاضر مشغول ارزیابی روند ده سال گذشته هستیم. قابل توجه است که می بینیم توانسته ایم در طول این ده سال بر بحران اجتماعی-اقتصادی خود فائق آییم. ما در این ده سال نرخ رشد بسیار امیدوارکننده ای داشته ایم. به عنوان مثال، در طول پنج سال گذشته، متوسط نرخ رشد اقتصادی ما ۸/۲ درصد بوده است، که رقمی بسیار بالا است. یا تنها در سال گذشته نرخ رشد اقتصادی ما ۹/۵ درصد بود که به نظر ما رقمی بسیار چشمگیر است. بیش از ۱۹۸۶، ما ناچار بودیم هر سال دو میلیون تن برنج از هر منبع ممکن - تایلند، مالزی، هند و سراسر جهان - وارد کنیم. اما از سال ۱۹۸۹، توانستیم برنج صادر کنیم و در حال حاضر سومین کشور صادرکننده برنج در سطح جهان هستیم. امروز می توانیم بگویم که بحران اجتماعی-اقتصادی را به طور کامل از میان برداشته ایم.

کشور ما امروز وارد مرحله جدیدی از رشد خود، یعنی مرحله صنعتی کردن و مدرنیزه کردن، شده است. ما اکنون هدف خود را بر این قرار داده ایم که ویتنام را در عرض سه دهه به یک کشور صنعتی بدل کنیم. برخی می گویند که این هدفی بیش از حد بلندپروازانه است. اما ما معتقدیم که این هدفی واقع بینانه است و مصمم هستیم که به آن دست پیدا کنیم.

در رابطه با سیاست خارجی، ما روابط خود را با چین در سال ۱۹۹۱ عادی کردیم و از آن زمان تاکنون، روابط حزب با حزب، دولت با دولت، و مردم با مردم میان ما با جدیت بهبود یافته است. ما هر سال هیات های نمایندگی در عالی ترین سطح با یکدیگر مبادله می کنیم. سال گذشته، دبیرکل حزب ما به چین سفر کرد. یک سال پیش از آن، رئیس جمهور و صدر حزب کمونیست چین به ویتنام مسافرت کرده بود. و یک سال قبل تر از آن، «لی پن»، نخست وزیر چین از ویتنام دیدار کرد.

همچنین، در سال ۱۹۹۵، کلینتون ناچار شد که عادی شدن روابط آمریکا و ویتنام را اعلام کند. فقط یک هفته پیش از آن، ما یک قرار داد با کشورهای بازار مشترک اروپا امضاء کرده بودیم که بر اساس آن زمینه های همکاری و توسعه متقابل میان طرفین ایجاد شد. آنچه در این باره از اهمیت ویژه برخوردار است این

است که این قرارداد تأثیرات روانی مثبت بر کسانی که هنوز نسبت به مفید بودن همکاری با ویتنام تردیدهایی دارند بر جای گذاشته است. در مورد روابط دوجانبه با کشورهای بازار مشترک مانند فرانسه، کشورهای اسکاندیناوی، ایتالیا و بریتانیا، باید بگویم که ما روابط به طور فزاینده مثبتی با آنها داشته ایم. تا این زمان، ما با ۱۶۱ کشور جهان روابط دیپلماتیک برقرار کرده ایم.

ما همچنین روابط خود را با دیگر احزاب بهبود بخشیده ایم. در حال حاضر ما با ۸۸ حزب در سطح جهان رابطه داریم. ما همچنین به دنبال گسترش روابط با سازمان های غیردولتی وابسته به سازمان ملل (NGO) هستیم. به عنوان نمونه، تا سال گذشته نمایندگان بیش از ۳۸۰ سازمان بین المللی غیردولتی از ویتنام دیدار کردند.

• با توجه به روابط اجتماعی و اقتصادی نزدیکی که با اتحاد شوروی داشتید، پس از فروپاشی اتحاد شوروی مسلماً شما نیز مانند کوبا زیر فشار شدیدی از نظر ادامه روند رشد اقتصادی خود قرار گرفتید. البته روشن است که این فشار تنها جنبه اقتصادی نداشت و جنبه های سیاسی مانند فشار برای ثبات زدایی از سوسیالیسم و دولت سوسیالیستی را نیز دربر می گرفت. تجربه شما در این رابطه، به ویژه بلافاصله پس از فروپاشی، چه بوده است؟

- از نظر اقتصادی و مالی، ما شرایط معلق شدن کمک ها را از چند سال پیش از فروپاشی اتحاد شوروی پیش بینی کرده بودیم و به همین دلیل کوشیده بودیم که روابط اقتصادی خود را متنوع کنیم. بنابراین، ما بر اثر فروپاشی اتحاد شوروی و قطع کمک ها، مانند برخی کشورهای دیگر دچار تکان های شدید نشدیم. از نظر سیاسی، ما همیشه هشاری خود را در برابر اینگونه تلاش های امپریالیسم حفظ کرده ایم. ما به خوبی آگاهی که امپریالیسم و کمونیسم هیچ گاه نمی توانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. البته این همزیستی برای یک دوره معین، یعنی دوره انتقالی ممکن است. اما مسلماً تا زمانی که امپریالیسم امپریالیسم است و کمونیسم کمونیسم، هرگز، تکرار می کنم هرگز، این دو نمی توانند با یکدیگر در صلح زندگی کنند.

ما ضمن همکاری اقتصادی با کشورهای غربی مانند آمریکا و دیگران، این مسأله را نیز درک می کنیم و به آن آگاهی که این روند صلح آمیز چقدر شکننده است. از سال ۱۹۷۵، یعنی از زمان رهایی ویتنام تاکنون، ما هر سال ناچار بوده ایم که حداقل یک یا دو نمونه از توطئه های آشکار در جهت ثبات زدایی از کشورمان و براندازی دولت کمونیستی را به محاکمه بکشیم. حدود دو ماه پیش، ما یک شهروند آمریکایی را محاکمه علنی کردیم. او با دو چمدان که در جدار درونی یکی از آنها اسلحه، فشنگ و چند ابزار دیگر جاسازی شده بود به کشور ما وارد شده بود. ما این را کشف کردیم و او را به پای میز محاکمه کشیدیم. این مسأله که می گویم مربوط به کمتر از دو ماه پیش است.

• با او چه کردید؟ آیا او را زندانی کردید؟ - البته! او به پنج سال زندان و چند هزار دلار جریمه نقدی محکوم شد.

ادامه در ص ۶

<p>آدرس: (لطفاً از نوشتن هر نامی به عنوان گیرنده مانند «نامه مردم» خودداری کنید)</p> <p>1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK</p> <p>NAMEH MARDOM-NO:477</p> <p>Central Organ of the Tudeh Party of Iran</p> <p>http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm</p>	<p>9 April 1996</p> <p>شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما ۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷</p>	<p>حساب بانکی ما:</p> <p>نام: IRAN e. V. شماره حساب: 790020580 کد بانک: 10050000 بانک: Berliner Sparkasse</p>
--	---	--